

پایه:	۱	موضوع:	نحو
تاریخ:	۹۳/۳/۲۴	ساعت:	۱۰:۳۰

نام کتاب: هدایه از الفاتمه فی التوابع تا آخر و کل کتاب صمدیه

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره دانه نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## تستی

۱. أفعال القلوب تدخل على المبتدأ والخبر ف..... أ ۲۴۲ / هدایه (ع: ۱ د: ۱)

أ. تنصبهما ■ ب. ترفعهما □ ج. تنصب المبتدأ و ترفع الخبر □ د. تنصب الخبر و ترفع المبتدأ □

۲. در کدام یک از موارد زیر خبر یا جانشین آن در کلام آمده است؟ ب ۴۳۲

أ. اکثر شربی السويق ملتوتاً □ ب. أ قائم الرجال ■ ج. لعمرک لأقومن □ د. ضربی زیدا قائماً □

۳. در کدام یک از موارد زیر حذف عامل مفعول مطلق سماعی است؟ ج ۴۴۶

أ. زیدا سیراً سیراً □ ب. لیبک و سعديک □ ج. سقیاً و رعياً ■ د. زید قائم حقاً □

۴. کدام یک از موارد زیر قبیح می‌باشد؟ أ ۵۱۱

أ. الحسن الوجبة ■ ب. الحسن وجهه □ ج. الحسن الوجبة □ د. حسن الوجبة □

## تشریحی

۱. «ضمیر شان» و «ضمیر فصل» را تعریف نموده و برای هر کدام مثالی بزنید؟ ۱۰۳

ضمیر شان، ضمیری است که قبل از جمله‌ای قرار می‌گیرد که آن را تفسیر نماید مثل «قل هو الله احد» - ضمیر فصل، ضمیر منفصل مرفوعی است که بین مبتدا و خبر وارد می‌شود هنگامی که خبر معرفه یا با صیغه افعال باشد مانند: زید هو القائم.

\* اسم التفضیل لایبنی إلّا من ثلاثی مجرد لیس بلون و لایعیب فان کان زائداً علی الثلاثة أو کان لونا أو عیباً یجب أن یبنی من الثلاثی المجرّد ما یدل علی

المبالغه و الشده او اکثره ثم تذکر بعده مصدر ذلک الفعل منصوباً علی التمییز. ۱۲۴

۲. حالات مختلف ساخته شدن اسم تفضیل را بیان نمایند.

اسم تفضیل در اصل از ثلاثی مجردی که معنی رنگ و عیب نداشته باشد ساخته می‌شود و در غیر این صورت از ثلاثی مجرد چیزی که بر شدت و مبالغه دلالت نماید ساخته می‌شود سپس مصدر منصوب مشتق از آن ماده به عنوان تمییز می‌آید.

۳. در آیات زیر معانی حرف جر را بیان نمایید. ص ۱۳۹

أ. «... وَلَا صَلَّيْتُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ...»: به معنای علی

ب. «... فَأَغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ...»: به معنای مع

د. «...كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا...»: زانده

ج. «... فَأَجْتَنُوا الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ...»: به معنای تبیین

\* الأصل فی الفاعل تقدّمه علی المفعول و یجب ذلک إذا خیف اللبس أو کان ضمیراً متصلاً و المفعول متأخراً عن الفعل و یمتنع إذا اتّصل به ضمیر

المفعول أو اتّصل ضمیر المفعول بالفعل وهو غیر المتصل. و ما وقع منهما بعد إلّا أو معناها وجب تأخیره. ۴۲۸

۴. موارد تقدیم و تأخیر فاعل و مفعول را که در عبارت آمده است همراه مثال ذکر کنید.

وجوب تقدم فاعل: زمانی که خوف اشتباه باشد مثل «ضرب موسى عيسى» یا فاعل ضمیر متصل باشد مثل: «ضربت زیداً» - امتناع تقدم فاعل:

مفعول ضمیر متصل به فعل یا فاعل باشد مثل: «ضربه زیداً» یا «زان الشجر نوره» - در صورت وجود ادات استثناء هر کدام بعد ادات بود

تأخیرش واجب است مثل «ما ضربه إلّا زیداً».

۵. أ. همزه «ان» در چه صورتی مفتوح، در چه صورتی مكسور و در چه حالتی جایز الوجهن است؟ ب. در مثالهای زیر کدام وجه جریان

دارد؟ ص ۴۳۹

أ. «وَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا...» ب. «قَالَ أَيُّ عَبْدَ اللَّهِ...» ج. اول قولی انی احمد الله

أ. اگر مصدر بتواند جانشین «ان» همراه اسم و خبرش شود فتحه و گرنه كسره می گیرد و اگر هر دو امر جائز بود فتح و كسر جائز خواهند بود. ب. أ. فتحه ب. كسره ج. هر دو مورد جائز.

۶. تفاوت «اضافه لفظیه» و «معنویه» را با ذکر مثال توضیح دهید. ۴۶۳

اضافه لفظیه، اضافه صفت به معمولش است که فائده اش فقط تخفیف در لفظ است مثل: «حسن الوجه» - اما اضافه معنویه که اضافه صفت به معمول نیست؛ اگر مضاف الیه معرفه باشد افاده تعریف مثل: «ابو زید» و اگر نکره باشد، افاده تخصیص می کند مثل: «غلام رجل».

۷. چهار مورد از موارد عود ضمیر به مابعد لفظاً و رتبه را ذکر نمائید. ۴۸۷

۱. در متنازعین هنگامی که ضمیر مرفوع به عامل اول داده شود و عمل را در اسم متنازع فیه به عامل دوم بدهیم مثل: «اکرمانی و اکرمت زیدین» ۲. فاعل باب نعم که مفسر به تمییز باشد مثل: «نعم رجلا زید» ۳. ضمیری که بدلش اسم ظاهر باشد مثل: «ضربته زیدا» ۴. مجرور رب مفسر به تمییز مثل: «رَبِّه رجلا» ۵. ضمیر شان و قصه مثل: «انه الامیر راکب».

۸. چهار وجه از وجوه فرق بین اسم فاعل و صفت مشبه را بیان نمائید. ۵۰۹

۱. صفت مشبهه فقط از لازم گرفته می شود برخلاف اسم فاعل که از متعدی نیز گرفته می شود ۲. صفت مشبهه صله ال قرار نمی گیرد ۳. عمل صفت مشبهه منوط به زمان نیست ۴. صفت مشبهه در عمل با فعلش مخالفت می کند ۵. صفت مشبهه بر وزن فعل مضارعش نیست.

۵۳۱

۹. دو جمله زیر را ترکیب نماید.

أ. ساء رجلا زید: ساء: فعل ذم / هو: مستتر فاعل / رجلا: تمییز از فاعل / زید: مخصوص به ذم.

ب. حبذا زیداً راکباً: حب: فعل مدح / ذا: فاعل / زید: مخصوص به مدح / راکباً: حال از فاعل.